

غزل نو

راهنمای رمان‌های ماندگار

از شوکران و شکر



این مجموعه شامل صد و چهل و پنج غزل است که انتشارات آفرینش در سال ۱۳۷۳ به چاپ رسانده است. غزل‌های این مجموعه از گونه‌ای دیگر است و با غزلیات تکراری و آنچنانی هیچ تناسبی ندارد؛ زیرا تعبیرهای نو و بکر، انتخاب وزن‌های مناسب با مفاهیم و تداوم اندیشه و حضور مسلط همیشه عشق به این مجموعه، لفظی دیگر بخشیده است؛ هر چند این ویژگی‌ها در مجموعه‌های دیگر شاعر نیز به چشم می‌خورد...

از ترمه و تغزل



«از ترمه و تغزل»، گزیده‌های خواندنی از اشعار نو و کلاسیک منزوی است که تحت نظارت خود وی جمع‌آوری و منتشر شده است. این گزیده ارزشمند، برجسته‌ترین اشعار از غزل‌سرایی را دربردارد که به غزل معاصر جان دوباره بخشید. مجموعه حاضر برگزیده هفت کتاب اصلی است که بیشتر آن به غزل‌های منزوی اختصاص دارد: «حنجره زخمی تغزل»، «با عشق تاب می‌آورم»، «از شوکران و شکر»، «با عشق در حوالی فاجعه»، «همچنان از عشق»، «از کهربا و کافور» و «تبغ و ترمه».

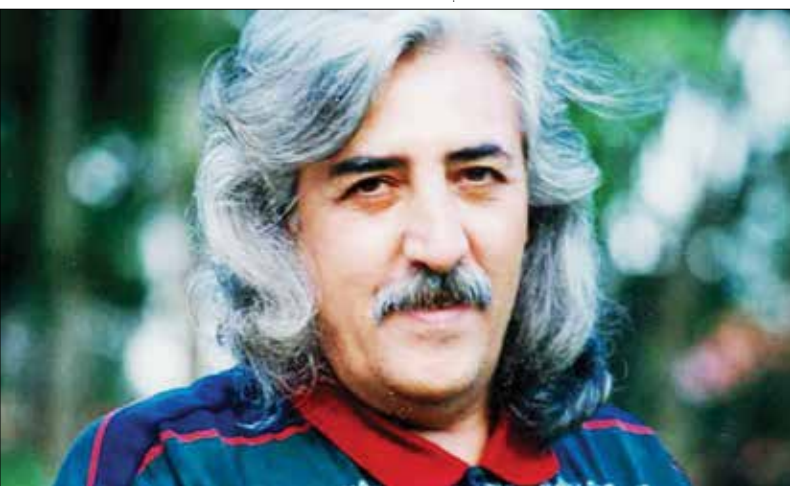
دومان



این مجموعه شامل شعرهای ترکی منزوی است که به فارسی نیز ترجمه شده است. این مجموعه برای اولین بار از منزوی منتشر می‌شود و در شهرهای ترک‌زبان کل کشور و به‌ویژه زنجان مخاطبان فراوانی دارد. در مورد برگردان فارسی اشعار هم هر چند شعرها دیگر آن شعرهای زبان مبدا یعنی ترکی نیستند، اما برای مخاطب فارسی‌زبان راهی جز ترجمه شعر نبوده است.

همیشه شاعر

حسین منزوی پیشگام و مبدع غزل نوین، مدرن و نئوکلاسیک فارسی است



مصطفی نصیری شاعر

حسین منزوی از برجسته‌ترین شاعران معاصر است که هم در زمینه غزل و هم شعر نیمایی و سپید و دیگر قالب‌های شعری طبع آزمایی کرد، اما بیشترین شهرتش را مدیون غزل‌های پرمایه و تأثیرگذار خود است؛ به قول محمدعلی بهمنی «اگر بخواهیم غزل بعد از نیما را بررسی کنیم باید بگوییم که هوشنگ ابتهاج در غزل پلی می‌زند و منوچهر نیستانی از این پل عبور می‌کند و ادامه‌دهنده این راه حسین منزوی است که طیف وسیعی را به دنبال خود می‌کشد...»

زندگی منزوی در ۲۵ سالگی با عشق گره می‌خورد و پس از آن اتفاقات عاشقانه دیگری منزوی را هر چه بیشتر در ورطه شعر می‌اندازد. به قول برادرش بهروز منزوی انگیزه شاعری حسین، عشقی کاملاً زمینی بوده است. از ویژگی زبانی شعر او می‌توان به زبان نو و معاصرانه غزل و تلاش در نزدیک کردن آن به زبان محاوره اشاره کرد. بیش از هشتاد درصد درونمایه اشعار او را عشق و مضامین مرتبط با آن تشکیل می‌دهد. مضامین سیاسی و اجتماعی شعر او نیز کم‌وبیش با عشق درهم آمیخته است. منزوی بدون تردید پیشگام و مبدع غزل نوین، مدرن و نئوکلاسیک فارسی است.

اولین اتفاق مهم ادبی زندگی منزوی چاپ کتابی به نام «حنجره زخمی تغزل» بود، کتابی که جایزه ادبی فروغ را در سال ۱۳۵۰ به خود اختصاص داد. بعد از چاپ اول این کتاب، منزوی به‌عنوان شاعری نوگرا شناخته شد و توجه بسیاری از منتقدان و شاعران را به سوی خود جلب کرد. این شعرها متعلق به سنین ۱۸ و ۱۹ سالگی او هستند.

منزوی پس از مجموعه «حنجره زخمی تغزل» در «شوکران و شکر» و «عشق در حوالی فاجعه» و «از کهربا و کافور» که شامل بهترین غزل‌های معاصر است، توانست سیمای زنی را در غزل نئوکلاسیک تبیین کند که از معشوق در شعر گذشته فرورفته و دارای

شخصیت‌پردازی و حرکت به طول و عرض روایت بود؛ منزوی با غزل «لبت صریح‌ترین آیه شکوفایی است» آغازگر راهی نو در غزل فارسی شد و ده‌ها شعر در اقتضای مستقیم و غیرمستقیم آن سروده شد:

لبت صریح‌ترین آیه شکوفایی است
و چشم‌هایت شعر سیاه گویایی است
چه چیز داری با خویشتن که دیدارت
چو قله‌های مه‌آلود محو و رویایی است
چگونه وصف کنم هیات غریب تو را
که در کمال ظرافت کمال والایی است
تو از معابد مشرق زمین عظیم‌تری
کنون شکوه تو و بُهت من تماشایی است
شمیم وحشی گیسوی کولی‌ات نازم
که خوابناک‌تر از عطرهای صحرائی است
تو باری اینک از اوج بی‌نیازی خود
که چون غریبی من مبهم و مُعمایی است
محمدعلی بهمنی درباره منزوی و شعرهای این کتاب می‌گوید: «در این کتاب شعرهایی دارای ظرفیت بالایی نیمایی وجود دارد و غزل‌هایی هم البته هست که در آن زمان اینگونه غزل گفتن به ما ثابت می‌کند که کسی دیگر جز منزوی نمی‌تواند آغازگر باشد.» لحن غزل‌های منزوی حماسی است و این مهم از تأمل او در شاهنامه نشأت می‌گیرد، همچنین تصویرسازی‌های بی‌نظیر منزوی را می‌توان به علاقه او به صائب تبریزی نسبت داد. تغزل در شعرهای نیمایی منزوی ویژگی بارز آنهاست.

حسین منزوی در شرایطی رو به سرایش غزل آورد که به ندرت شاعری سراغ غزل می‌رفت. او از مبتکران و

پیشگامان غزل نو است. منزوی برخلاف بسیاری از ادیبان که منتقد بودند تمامی حرف‌ها را حافظ و سعدی و سایر شاعران زده‌اند، معتقد بود خیلی حرف‌هاست که حافظ و سعدی نگفته‌اند و مسائلی وجود دارد که آنها لمس نکرده‌اند. منزوی معتقد بود عشق، یک همیشه است و یک مساله روزمره نیست، بنابراین طعم غزل او با طعم غزل شاعران پیش از او بسیار فرق خواهد داشت.

پرسش مهمی که با شنیدن شعر منزوی به ذهن متبادر می‌شود، این است که چرا منزوی، به قدری که استحقاق شعر اوست، شناخته شده نیست؟ قدرانی از شعر یک شاعر، ارج نهادن به نام او نیست، بلکه این در حکم است که زبان فارسی بر هر پژوهشگر یا دست‌کم علاقه‌مند ادبیات ارجحیت دارد و شعر منزوی هم از این قاعده مستثنی نیست و بررسی وجوه شعر او شاید برای ادامه حیات زبان، شعر و به‌ویژه غزل معاصر مفید یا حتی لازم باشد. منزوی شاعری بود که هیچگاه چه قبل و بعد از انقلاب وابسته به جریان‌های رسمی و غیررسمی شعر نشد، به همین جهت از این دو گروه شاعران مورد حمایت قرار نگرفت تا آن‌جا که به گفته منزوی از نوآوری او در غزل، شاعرانی مانند سیمین بهبهانی و... یاد نکردند یا سعی کردند او را به عمد یا سهوی فراموش کنند. چنان که خود در یکی از غزل‌هایش می‌گوید:

مرا ندیده بگیرید و بگذرید از من
که جز ملال نصیبی نمی‌برید از من